

استخراج استلزامات تربیتی از آرای افلاطون در آموزش و پرورش ابتدایی ایران

مأنده بابائی جویباری^۱

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر استخراج استلزامات تربیتی از آرای افلاطون در آموزش و پرورش ابتدایی ایران است. روش پژوهش حاضر، روش تحلیل محتوای کیفی است. روش تحلیل محتوای کیفی به کار گرفته شده در این پژوهش پس از مطالعه و بررسی روش های تحلیل محتوا، به ویژه تحلیل محتوای کیفی مایرینگ و فلیک، استخراج و اجرا شده است. حوزه پژوهش شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده پیرامون اندیشه ها و آرای تربیتی افلاطون بود. جهت نمونه گیری به علت کثرت منابع در این حوزه از کلیه مکتوبات چاپی و دیجیتالی در دسترس استفاده گردید. هدف افلاطون از طرح نظام تعلیم و تربیتی خود، تحقق غایتی بود که بنیان ارمان شهر خود را بر اساس آن پایه ریزی کرده بود، یعنی عدالت، که بنابر اعتقاد وی تحقق آن زمانی صورت می گرفت که هر فردی در همان مقام خاص در جامعه باشد که به آن تعلق دارد و همان کاری را انجام دهد که بر حسب گرایش و آموزش برای آن مناسب است. افلاطون بر این عقیده بود که برای ۱۰ سال اول، عمدتاً باید تربیت بدنی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، هر مدرسه باید یک سالن ورزشی و یک زمین بازی داشته باشد تا بتواند قوای بدنی و سلامتی کودکان را توسعه دهد و آنها را در برابر هر بیماری مقاوم کند. علاوه بر تربیت بدنی، افلاطون موسیقی را نیز توصیه می کند تا در شخصیت آنها اصلاح خاصی ایجاد کند و به روح و جسم لطف و سلامتی عطا کند. افلاطون همچنین دروسی مانند ریاضیات، تاریخ و علوم را تجویز می کرد. از نظر افلاطون، دانش حاصل از اجبار ذهن را درگیر نمی کند. بنابراین، او معتقد بود که آموزش نباید اجباری باشد، بلکه باید نوعی سرگرمی باشد زیرا این امر باعث می شود معلم بتواند ذهنیت طبیعی کودک را درک کند. افلاطون همچنین بر تربیت اخلاقی تأکید داشت. در این پژوهش مولفه های برنامه درسی یعنی هدف، محتوا، روش، ارزشیابی از دیدگاه افلاطون و در ایران در دوره ابتدایی مورد بحث قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: استلزامات تربیتی، آرا افلاطون، ابتدایی، آموزش، ایران، هدف، محتوا، روش، ارزشیابی

مقدمه :

افلاطون در سال ۴۲۷ ق.م در خانواده‌ای اشرافی به دنیا آمد. در ۱۸ سالگی با سقراط آشنا شد و مدت ۱۰ سال را به شاگردی سقراط به سر برد. بعد از اعدام سقراط به سفر پرداخت و از نقاط مختلفی از جهان دیدن کرد و در این سفرها با اندیشه‌های متفاوتی آشنا شد که تأثیر آنها در افکار افلاطون هویدا است. هنگامی که افلاطون به آتن بازگشت ۴۰ سال داشت. او در این زمان مدرسه معروفش را به نام آکادمی تأسیس کرد. این مدرسه را می‌توان اولین دانشگاه محسوب کرد که در آن دروسی نظیر فلسفه، ریاضیات و نجوم تدریس می‌شد. از افلاطون آثار بسیار بر جای مانده است که شامل همه موضوعات مهم فلسفه و علوم انسانی می‌شود. مهم‌ترین و در عین حال کامل‌ترین اثر افلاطون کتاب جمهوری است. او در این کتاب در باره مسایل فلسفی مختلفی از اخلاق گرفته تا سیاست و هنر و تربیت و مابعد الطبیعه سخن رانده است (کاپلستون، ج ۱، ۱۳۷۵، صص ۱۶۰-۱۵۵).

افلاطون پایه گذار و در واقع طلایه‌دار بسیاری از مباحث عمیق فلسفی است. به قول یکی از فیلسوفان معاصر، تمام تاریخ فلسفه تا به امروز، چیزی جز حاشیه نویسی بر آثار افلاطون نیست. او در فلسفه که تا آن زمان حول حقیقت واقعی اشیاء می‌گشت افق‌های تازه‌ای گشود و برای اولین بار مباحث گسترده معرفت‌شناسی را مطرح کرد. او حکیمی الهی بود و حقیقت چیزها را ورای ماده و محسوسات و جزئیات می‌جست و بر همین اساس بود که نظریه خاص خود موسوم به نظریه مُثل را طرح نمود. (کاپلستون، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۱۹۵).

افلاطون در فلسفه راه استادش سقراط را دنبال کرد. بدین معنا که دغدغه اصلی او انسان بود و از فلاسفه طبیعی دور شد. او قسمت زیادی از تلاش خود را معطوف به حل مسایلی نظیر اخلاق، حق و عدالت کرد. از نظر سقراط و افلاطون فضایل یا هنرهای بنیادی چهارگانه اخلاقی عبارتند از: دانایی، دادگری، جرأت یا دلیری، و خویشتنداری. از نظر افلاطون، خویشتنداری حالتی است که در آن، شوق به سوی برتر بر گرایش به خشنود کردن میل‌ها غلبه کند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۲، ص ۲۰).

برای فهم متافیزیک افلاطون باید مفهوم بنیادی فلسفه او یعنی ایده و نیز روش شناختن ایده یعنی دیالکتیک را بشناسیم. ایده که از واژه‌ای یونانی به معنی نما یا منظر گرفته شده است برای افلاطون در گام نخست همانا حقیقت و معنایی است که به مثل، با چشم جان دیده می‌شود. این بینش حقیقت و معنا، همانا فهمیدن و شناختن است و از این روست که او می‌گوید شناخت هر چیز به یاری ایده آن ممکن می‌شود. افلاطون برای توضیح این مفهوم از تمثیل غار استفاده می‌کند. دیالکتیک نیز از نظر افلاطون به معنای خود اندیشیدن و نحوه‌ای از تفکر است که آدمی به وسیله آن از امور جزئی و گذرنده فراتر رفته و به ایده یعنی حقیقت و معنای یگانه آنها رو می‌کند. دیالکتیک حرکت اندیشه است از سطح به ژرفا، از نمودها به اصل و سرچشمه. به سخن کوتاه، دیالکتیک سیر انسان است از جهان دیده شدنی به جهان معنا. دیالکتیک دو گونه دارد: دیالکتیک بالارونده که حرکت از امور جزئی و محسوس به امور کلی و معقول است، و دیالکتیک فرو رونده که حرکت از امر کلی و معقول به سوی امور جزئی و محسوس و گوناگون است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۲، صص ۱۳۹-۱۳۵).

افلاطون همان‌گونه که روح یا نفس آدمی را شامل سه قوه شهویه، غضبیه، و عاقله می‌داند، افراد جامعه را نیز به سه طبقه پایین (کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران، و بازرگانان) با وظیفه تأمین معاش، میان (سربازان) با وظیفه پاسداری، و بالا (خردمندان و اندیشه‌وران) با وظیفه خردورزی تقسیم‌بندی می‌کند (کاردان، ۱۳۸۱، صص ۲۴-۲۵).

هرچند که افلاطون از مباحث زیادی در حوزه علوم و دانش‌های مختلف سخن به میان آورده است، لیکن به‌گفته دکتر نقیب‌زاده (۱۳۷۲، ص ۲۰) می‌توان بحث تربیت را به‌عنوان محور تمامی مباحث وی به حساب آورد. نظریه تعلیم و تربیتی او که

در کتاب «جمهوریت» به تفصیل شرح داده شده طرحی روشن‌گر است که بر اساس دانش و آگاهی استوار است. در این نظام تقوی و فضیلت نیز به‌عنوان نتیجه نهایی و حاصل اندیشه مردمان با ذکاوت و هوشمند است (طوسی، ۱۳۵۴، صص ۲۸-۲۵).

افلاطون میان تعلیم و تربیت فرق گذاشته و تربیت را وسیع‌تر و کلی‌تر از تعلیم به‌شمار می‌آورد. از نظر او، تربیت یعنی شکوفا شدن استعدادهای ذاتی یا از قوه به فعل درآمدن آنها. از این‌رو هدف عمده تربیت که آن‌را مهم‌ترین دستور می‌داند، کشف استعدادها و برجسته و آماده ساختن آنها برای زمامداری در جامعه آرمانی یعنی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و حکمت است. به زعم دکتر کاردان (۱۳۸۱، ص ۲۶) این هدف را می‌توان در پرورش نخبگان خلاصه کرد.

دکتر طوسی (۱۳۵۴، ص ۲۸) خصوصیات کلی نظام تعلیم و تربیت او را چنین برشمرده است:

۱. بهره‌مندی مساوی مردان و زنان از موهبت تعلیم و تربیت.
 ۲. ارتباط آموزش عملی و نظری.
 ۳. پرورش قابلیت‌های افراد برای انجام خیر و نیکی که در طبیعت آنها ودیعه نهاده شده.
 ۴. تربیت باید موجبات شکوفا شدن کامل شخصیت افراد را فراهم آورد.
- افلاطون مراحل متعددی برای تعلیم و تربیت برمی‌شمارد و برای هر یک برنامه درسی خاصی را تعریف می‌کند که به‌طور خلاصه چنین است (کاردان، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۲۷):

۱. سنین ۳ تا ۶: عادت دادن به انضباط.
۲. سنین ۶ تا ۱۰: پرورش قوای جسمی در ژیمناز.
۳. سنین ۱۰ تا ۱۶: آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن.
۴. سنین ۱۶ تا ۲۰: آموزش نظامی.
۵. سنین ۲۰ تا ۳۰: آموزش مطالب ادبی و علمی.
۶. سنین ۳۰ تا ۳۵: آموزش فلسفه و روش دیالکتیک.

افلاطون در تعلیم و تربیت به تمامی جنبه‌ها و ابعاد وجودی انسان توجه داشته است. تربیت تن و روان بایستی به موازات یکدیگر صورت گیرد و در تمام طول حیات آدمی، از ابتدای تولد تا دوران کهنسالی، باید با وی همراه باشد. (فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، تهران، البرز، ۱۳۷۹).

نکته آخر اینکه در این نظام تربیتی معلم از جایگاه رفیعی برخوردار است. معلم الگو و نماینده پخته فرهنگ است، گزینش او کمال اهمیت را دارد. او باید مظهر ارزش‌ها باشد، دانش‌آموزان را دوست بدارد و شخصی با انگیزه و پرشور باشد. شاگردان نیز

باید معلم را سرمشق خود قرار داده و تلاش کنند تا ضمن احترام گذاردن به مقام شامخ معلم، به فضایل و معارف وی دست‌یابند (گوتک، ۱۳۸۰، ص ۴۴).

با توجه به اینکه برنامه درسی در دوران ابتدایی اهمیت خاصی دارد و شاکله کل سیستم تعلیم و تربیت را می‌سازد باید پژوهش‌هایی در جهت واکاوی آن صورت گیرد

ارای برنامه درسی افلاطون از دیرباز مورد بحث تعلیم و تربیت در سرتاسر جهان بوده است ما در این پژوهش نگاهی به مولفه های برنامه درسی دیدگاه افلاطون و مولفه های برنامه درسی در ایران خواهیم داشت تا به استخراج ویژگی های آنها بپردازیم .

استخراج استلزامات تربیتی از ارای افلاطون در آموزش و پرورش ابتدایی ایران می‌تواند کمک بزرگی به واکاوی سیستم تعلیم و تربیت در دوره ابتدایی نماید

با گذر زمان تمامی سیستم های آموزشی به مرور زمان به واکاوی برنامه درسی خود می‌پردازند اما هدف از این پژوهش به معنای تغییر در برنامه درسی نیست چرا که تطبیق برنامه درسی با حفظ ارزش های جوامع و بر اساس ایدئولوژی های نوین و بر اساس تئوری های کاربردی کاملاً امکان پذیر است .

در جوامع بدوی، مجموعه میراث فرهنگی بسیار اندک بوده و سطح دانش و مهارت ها آن چنان وسیع نبود، در نتیجه نیازی به نظام آموزشی منسجم با سبک برنامه خاص احساس نمی‌شد. آموزش، بیشتر از طریق خانواده انجام می‌شد و جنبه غیر رسمی داشت. با گذشت زمان در کشورهای مختلف، نظام های آموزشی رسمی با ساختار بسیار منظم و برنامه ریزی شده، شکل گرفت در ایران با وجود تاریخ و تمدن کهن، سیستم آموزشی در طول تاریخ دچار تحول گردیده و تحولات بسیار وسیعی در مقاطع مختلف رخ داده است؛ البته دوره ابتدایی با این اسم، در نظام آموزشی ایران وجود نداشت. قبل از تشکیل نظام آموزشی توین، در ایران بیشتر مکتب خقه و مدارس دینی وجود داشت، افراد روحانی، مکتب خانه را اداره می‌کردند و دروس قرآن و ادبیات فارسی به کودکان آموخته می‌شد. بعد از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی، قانون معارف برای اولین بار تصویب شد، در نتیجه آموزش ابتدایی را به عنوان اولین مرحله ساختار نظام آموزشی نوین ایران معرفی نمود و لزوم بسط و گسترش آموزش ابتدایی نوین در تاریخ ایران، برای اولین بار مطرح شد. در سال ۱۲۲۲ طبق قانون تعلیمات اجباری، آموزش ابتدایی به عنوان یک دوره آموزش عمومی و تعلیمات اجباری، مطرح و همگانی شد. طبق ماده دوم قانون تعلیمات اجباری، طول بالاتری ارائه شود، افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بعدی، کمتر می‌شود. اگر آموزش ابتدایی در سطح گسترده ای صورت بگیرد و اکثریت یا تمام کودکان واجب التعلیم ایرانی را تحت پوشش قرار بدهد، می‌تواند بی‌سوادی را در کشور ریشه کن کند. در سال ۱۲۱۳ نظام نوین آموزشی ایران گسترش پیدا کرد، دانشسرا و تربیت معلم در ایران، به نام " دارالمعلمین " دارالمعلمات " و سپس دانش سرای مقدماتی تأسیس شد (باقری فر، موسی، آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۵، ص ۲)

تا سال ۱۳۴۵ نظام آموزشی ایران دارای سیستم شش سال ابتدایی، سه سال دوره اول دبیرستان و سه سال دوره دوم دبیرستان بوده است. از سال ۱۳۴۵ طول دوره ابتدایی از شش سال به پنج سال کاهش یافت. بدین ترتیب دانش آموزان برای ورود به سه سال دوره راهنمایی آماده می‌شوند تا استعداد آنها دقیقاً شناسایی شده و بر مبنای استعداد هایشان، در دوره متوسطه، در رشته خاصی ادامه تحصیل بدهند. در حقیقت، نظام آموزشی ایران در سال ۱۳۴۲ به صورت کلی تغییر کرد و از

مهر ماه سال ۱۳۵۰ دوره اول راهنمایی تحصیلی شروع شد. بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که سن تقویمی نباید تنها شرط ورود کودک به دوره ابتدایی باشد بلکه کودک باید از طریق آمادگی، مورد ارزیابی قرار گیرد. هدایت تحصیلی فقط به دوره راهنمایی تحصیلی محدود نمی شود، بلکه می توان زمینه مشاهده منظم و علمی کودک را از دوره ابتدایی به وجود آورد و از این طریق، زمینه های استعداد و علاقه کودک را شناسایی نمود. به نظر مربیان تعلیم و تربیت، مشاوره و راهنمایی تحصیلی در دوره ابتدایی، باید به طور سیستماتیک صورت گیرد و مشاهده سیستماتیکی از کودکان، به منظور تشخیص استعدادهایشان می باشد هدف عمده آموزش دوران ابتدایی، پرورش استعدادها و قابلیت های بالقوه کودکان می باشد، لذا این آموزشها در تمام دنیا، تحت عنوان آموزشهای عمومی در نظر گرفته می شوند. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

اهداف

هدف آموزش ابتدایی در ایران :

۱- مهمترین هدف در دوره ابتدایی، پرورش استعدادهای کودکان می باشد : منظور از استعداد، توانایی و قابلیت های بالقوه دانش آموزان است. استعدادها دو دسته عمومی و خاص می باشند. استعدادهای عمومی، باید در همه افراد جامعه شکوفا شوند و گرنه، افراد قادر به مشارکت در فعالیتهای گروهی و اجتماعی نیستند. برای مثال، در این زمینه می توان به پرورش قوای تفهیم در کودکان اشاره کرد. در دوره ابتدایی، باید بین افراد تفاهم و توافق عمومی ایجاد شود؛ چون این امر سبب تقویت وجوه تشابه افراد می گردد. استعدادهای خاص، استعدادهایی هستند که در همه افراد به یک اندازه وجود ندارند و افراد از نظر استعدادهای خاص متفاوت هستند. برخی از افراد در یک استعداد خاص از بقیه بالاترند و عده ای در استعداد خاص دیگری مانند استعداد ریاضی موسیقی، نقاشی برتر هستند. پرورش استعدادهای خاص، در دوره دبیرستان صورت می گیرد. هر چند که زمان بروز برخی از استعدادهای خاص در اواخر سالهای دبستان می باشد، اما اکثر آن استعدادها از دوره راهنمایی به بعد شکوفا می شوند و زمینه شکوفایی آنها در دوره دبیرستان فراهم می شود. به عبارت دیگر دوره راهنمایی، زمان تشخیص استعدادهای خاص، از طریق مشاهده منظم و پرسشنامه است، ولی دوره متوسطه، زمان پرورش استعدادهای خاص می باشد. پرورش استعدادهای خاص، در همه افراد صورت نمی گیرد، نیازی به پرورش همگانی نیست و فقط باید در برخی از افراد که دارای استعدادهای خاص هستند، تحقق یابد. این استعدادها به آسانی شکوفا نمی شوند و شناسایی و پرورش آنها، به سهولت صورت نمی گیرد استعدادهای خاص، باعث تقویت وجوه تمایز در افراد می گردند، برعکس استعدادهای عمومی که سبب تقویت وجوه تشابه در افراد می شوند (باقری فر، موسی، آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۵، ص ۵)

۲- آشنا نمودن دانش آموزان با معارف دینی : در دوره ابتدایی، باید دانش آموزان را متناسب با هوش و توانایی هایشان با رموز خلقت، زندگی پیامبران، ائمه معصومین و ایه های سوره قرآن آشنا نمود. در آموزش این مسائل، باید با ساده گویی و ارایه مثالهای عینی، اقدامات لازم انجام گیرد. (باقری فر، موسی، آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۵، ص ۵)

۳- تقویت حس نظم، مسوولیت پذیری و رعایت حقوق دیگران: در این دوره، باید نظم و انضباط، حسمسوولیت پذیری، احترام به حقوق دیگران و کنترل خود را به کودک باد داد تا خود مداری و خود محوری کودک، به تدریج تعدیل گردد. در اینجا باید تناسب اصل سندیت و اقتدار نیز رعایت شود. (باقری فر، موسی، آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۵، ص ۷)

۴- ایجاد بینش کافی نسبت به تمدن: در دوره ابتدایی، باید کودکان را با علومی چون تاریخ، جغرافیا و اجتماعی آشنا نمود. هدف از آموزش چنین علومی در این دوره، این است که کودکان با زمان و مکان پیرامون خود ارتباط برقرار کرده و نسبت به تمدن کشور خود، احساس تعلق کنند (باقری فر، موسی، آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۵، ص ۶)

۵- آموزش اطلاعات بهداشتی، ایمنی، قوانین و هنجارهای اجتماعی: کودکان در این دوره، از نظر فکری قادر به درک قواعد هستند، در نتیجه می توان هنجارهای اجتماعی، آموزشهای بهداشتی و ایمنی را به آنها ارائه نمود مدرسه در دوران ابتدایی، از طریق آموزش هنجارها و ارزشهای اجتماعی به کودکان، به آنها می فهماند که لازمه زندگی اجتماعی، رعایت حقوق دیگران است. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون:

۱. هدف جسمانی تعلیم و تربیت (تربیت بدنی)

به طور کلی تعلیم و تربیت برای افلاطون در پرورش جسم و پرورش روان تعریف می شود. پرورش جسم از طریق تغذیه و ورزش ژیمناستیک، و پرورش روان از طریق موزیک (هارمونی صورت می گیرد. البته سلامت جسم و روان در نظر وی به عنوان دو هدف اصلی تعلیم و تربیت همواره با یکدیگر در ارتباط هستند (تلشپیا، ۱۹۶۹). این موضوع از نظر هستی شناسی افلاطون به وجود دو بعد مادی و معنوی انسان مربوط می شود.

تربیت بدنی در برنامه تربیتی افلاطون با بازی شروع می شود. بازی برای افلاطون صرفاً سرگرمی نبوده بلکه نقش تربیتی دارد (افلاطون، ترجمه لطفی، ۱۳۶۷) و این یکی از ابداعات افلاطون در تعلیم و تربیت است که بعدها نیز توسط مربیان بزرگی چون "فروبل" توسعه یافته است (بارو، ۱۹۷۶). افلاطون می خواهد کودکان از طریق بازی به زندگی جمعی نیز عادت کنند و در جامعه ای بدون تغییر به زندگی خود ادامه دهند و این به نظریه فلسفی افلاطون درباره جهان بر می گردد. وی معتقد است همان گونه که هستی ثابت است و بدون تغییر، اجتماع نیز باید ثابت باشد (ژس، ۱۹۵۱).

۲. هدف ذوقی هنری تعلیم و تربیت (تربیت هنری).

دومین بعد از ابعاد تربیتی اولیه در نظام تربیتی افلاطون، تربیت روان است که از طریق هنر صورت می گیرد. بخش عمده تربیت هنری در نزد افلاطون موسیقی است بخش های دیگر آن شامل ادبیات است که خود به شعر، قصه و داستان، و سرود تقسیم می شود. افلاطون نخستین مربی ای است که به تأثیر موسیقی در تعلیم و تربیت پی برده است. وی معتقد است که موسیقی موجب زیبایی و هماهنگی روح می گردد و انسان را به زیبایی مشتاق و از زشتی بیزار می کند البته هر نوع موسیقی را برای رسیدن به اهداف فوق مناسب نمی دانست. بنابراین، به نقادی گام های موسیقی یونان و نیز داستانهای رایج آن روز که مربوط به شاعرانی چون "هومر" و هزیود بوده است می پردازد و بیشتر آنان را، از نظر تربیتی، بد و زیان آور می داند (افلاطون، ترجمه روحانی، ۱۳۳۵).

به نظر افلاطون تربیت هنری زمینه ساز پرورش عقلانی است. در سنین اولیه که شاگردان هنوز قادر به تفکر نیستند لازم است روان آنان از طریق هنر نظم یابد و پالایش گردد و فضایل اخلاقی در وجود آنان به صورت عادت در آید تا تحت انضباط بزرگترها پرورش یابند و آماده شوند تا در مراحل بعد تحت تربیت صحیح عقلانی قرار گیرند. (لطفی، محمد حسین، دوره آثار افلاطون، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۶۷).

۳. هدف اخلاقی تعلیم و تربیت (تربیت اخلاقی)

معنای تربیت برای افلاطون با تربیت اخلاقی و رو کردن انسان به سوی امور ارزشمند معنا پیدا می کند. رسیدن به فضائل اخلاقی تنها از راه تربیت و کسب شناخت درست ممکن می گردد. بنابراین، افلاطون همانند استادش سقراط معتقد است که "فضیلت معرفت است."

افلاطون در رساله جمهوری از چهار فضیلت بنیادی اخلاقی شامل جرأت، عدالت، خویشتن داری، و دانایی نام برده و نیل به آنها را برای فرد و جامعه ضروری می داند. از نظر وی نفس انسان از سه بخش شهوت، اراده، و عقل تشکیل شده و برای هر بخش نیز فضیلتی از فضایل فوق قابل تعریف است. وی رسیدن به فضائل اخلاقی را برای شهر نیز ممکن و لازم می داند؛ و با توجه به ابعاد نفس انسان، در شهر نیز سه طبقه زمامداران، جنگاوران، و تولیدکنندگان را تعریف می کند و برای هر یک نوعی از فضائل را در نظر می گیرد (لطفی، محمد حسین، دوره آثار افلاطون، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۶۷).

۴. هدف عقلانی تعلیم و تربیت (تربیت عقلانی)

در ابتدای این بخش لازم است به طور گذرا با مروری بر هستی شناسی و معرفت شناسی افلاطون جایگاه تربیت عقلانی در نظام تربیتی وی مشخص شود. افلاطون برای جهان در مرتبه ماده (حس) و معنا (ایده) در نظر میگیرد که شناخت جهان معنا از طریق عقل ممکن می شود. در معرفت شناسی نیز افلاطون در مرحله اصلی را در نظر میگیرد که شامل پندار و فهم است. شناخت مبتنی بر پندار از طریق حس و شناخت مبتنی بر فهم از طریق عقل حاصل می شود. بنابراین، از نظر فلسفی، شناخت بالاترین مرتبه هستی توسط عقل ممکن است.

تعلیم و تربیت اولیه افلاطون با ورزش و موسیقی به اتمام می رسد، و شاگردان آمادگی ورود به مرحله تربیت عقلانی را پیدا میکنند که مرحله عالی تعلیم و تربیت است. در این دوره دروسی مانند حساب، هندسه، و ستاره شناسی آموزش داده می شود. کارکرد اصلی این دروس، کمک به پرورش تفکر است. حساب به پرورش عقلانی کمک کرده و توانایی بررسی حقایق ناب را به ذهن می دهد (اکسنبرگ رورتی^۱، ۱۹۹۸).

از میان شعب ریاضیات وی تعلق خاطر زیادی به هندسه دارد و منظور از آموزش هندسه تلاش برای شناخت ایده نیک است نه چیزهایی که در زمان و مکان معین فرار می گیرند. ستاره شناسی سومین علم در این مرحله است. اهمیت این علم نیز برای افلاطون در جنبه غیرمادی آن است و از طریق آن انسان به عالم بالا نگاه می کند (هامل، ۱۹۹۷).

محتوا

محتوا درسی از نظر افلاطون :

به نظر افلاطون در تربیت افراد باید جنبه جسمانی و روانی هر دو رعایت شود، او عقیده دارد که تربیت تن و روان باید به موازات یکدیگر انجام شود و به همین دلیل شعار «عقل سالم در بدن سالم» را شعار درستی نمی داند. افلاطون اعتقاد دارد تربیت تن و روان باید از همان آغاز کودکی آغاز گردد. زیرا کودک انسان نیز مانند یک گیاه است که برای رشد طبیعی باید اولین جوانه های آن از هر گونه آسیب مصون باشند. لو تأکید می کند که پرورش کودکان باید حتی پیش از به دنیا آمدن آنان، با تمرین ها و ورزش هایی که مادران باردار انجام میدهند، آغاز گردد. تربیت روانی کودکان نیز با موسیقی و داستان سرایی مادران شروع میشود (لطفی، محمد حسین، دوره آثار افلاطون، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۶۷).

افلاطون عقیده دارد که موسیقی و ورزش هر دو وسیله پرورش روح است. وی در کتاب جمهور می نویسد: موسیقی و ورزش را برای آن درست کرده اند که به وسیله یکی از آنها روح و به وسیله دیگری جسم انسان پرورش یابد (Plato, ۱۹۹۵)

لغت ژیمناستیک به مفهومی که افلاطون در نظر دارد، تربیت بدنی انسان را چه از لحاظ ورزش و چه از لحاظ تغذیه در بر می گیرد. منظور اصلی تربیت بدنی ایجاد سلامت جسمی است همچنان که غرض از تعلیم موسیقی تولید اعتدال و هماهنگی روح است .

در کتاب تاریخ فلسفه سیاسی غرب درباره تربیت بدنی چنین آمده است: هدف اصلی پرورش جسم سالم است، اما افلاطون می دانست که چون تندرستی فکری و جسمی با هم پیوند دارند، احتمالاً به تربیت بدن پیش از پرورش فکر معتقد بود. افزون بر این، وی تربیت را برای رشد روحیه و شجاعت کسانی طرح ریزی کرده بود که باید امدادگر یا اعضای طبقه نظامی باشند و آموزش موسیقی بیشتر از آن که به ساز و آهنگ مربوط باشد، به طور کلی با مطالعه در شعر و ادب ارتباط داشت (نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سپهر ۱۳۵۸).

محتوای درسی را که افلاطون پیشنهاد می کند عبارت است از: عادت دادن کودکان به بازی، پرورش قوای جسمانی، آموزش خواندن و نوشتن، آموزش نظامی، مطالب ادبی و آموزش فلسفه و دیالکتیک. نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سپهر ۱۳۵۸)

محتوا برنامه درسی در ایران در دوره ابتدایی:

در پژوهشی که توسط (شریفی، علیرضا) با نام وضعیت برنامه درسی ابتدایی در ایران صورت گرفت ، محتوا برنامه درسی بصورت جدول زیر طبقه بندی شد.

فناورانه	زیمت شناختی	روانشناختی	اقتصادی	سیاسی	فرهنگی	اجتماعی	دینی	زیباشناختی	فلسفی	مبانی برنامه درسی
۱,۱۶	۱,۴۵	۱,۵۴	۱,۸۳	۲,۸۰	۱,۶۴	۱,۷۴	۲,۸۳	۱,۲۲	۱,۴۸	میزان حضور فعلی مبانی
P	F	میانگین مجذورات		درجه آزادی		مجموع مجذورات		منبع تغییرات		آزمون F
۰/۰۰۱	۱۱۱۵۳/۵۱۲	۱/۰۴۱		۹		۹/۳۶۹		گروه		

محتوا دینی بیشترین فراوانی و مبانی فناوری کمترین فراوانی را در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران دارد .

روش تدریس

روش تدریس افلاطون در دوره ابتدایی :

به عقیده افلاطون، مهمترین روش تدریس یا آموزش، روش گفت و شنود است و آن روشی است که به یاری آن انسان می آموزد که چگونه از آنچه به حس دره می آید آغاز کند و به سوی جهان معنوی بالا رود و بدین (سان از چیزهای دیدنی، گذرنده، بسیار و پراکنده فراتر رفته - به جهان معنی - یعنی جهانی که فقط به اندیشه می آید - راه یابد (کاردان، ۲۰۱۹) تقلید از الگوها و اسوه ها نیز بخشی از روش تربیتی را تشکیل میدهد. دانش آموزان درس های ارزشمندی را بر مبنای نمونه ها و الگو های شایسته بر گرفته از تاریخ، ادبیات، دین، زندگینامه و فلسفه اخذ می کنند. آنان ترغیب میشوند که الگو را مورد مطالعه قرار دهند تا شخص مورد بحث به صورت مظهري از ارزش درآید، شخص معلم نیز الگوی مداومی است، بدین معنی که وی، مظهر کاملی از عالی ترین ارزش های فرهنگی است. اگر چه معلم را باید بر پایه صلاحیت او در موضوع درسی و فن تربیت برگزید تا شایسته سر مشق گیری دانش آموزان گردد و باید از ذوق زیبایی شناسی بهره مند باشد. دانش آموزان از راه جذب و هضم نظام ارزشی الگوی اخلاقی در زندگی خویش از وی پیروی می کنند. تأسی از دیگران تقلید نیست، بلکه شامل خیر در زندگانی انسان است (گوتک، ۲۰۰۱).

شیم ، چنین نتیجه گرفت که افلاطون تدریس را به منزله راهنمایی به سمت دانش عینی از طریق درک استدلالی علل مد نظر قرار می دهد. این گونه تجسم می شود که افلاطون قصد دارد تفاوت شرایط یک فرد تحصیل کرده و یک شخص بی سواد را در این مطالعه نشان دهد. پس می توان گفت وی این کار را با ارائه تمثیل غار که در آن یک شخص تغییرات تدریجی نقطه نظراتش را تجربه می کند، انجام میدهد. (شیم، ۲۰۰۸)

روش های تدریس در ایران در دوره ابتدایی :

۱- روش سخنرانی: در این روش، معلم مطالب درسی را به دانش آموزان انتقال می دهد. وظیفه اصلی معلم، انتقال معلومات و اطلاعات درسی به دانش آموزان است. وظیفه دانش آموزان، گوش دادن، نوشتن و یادداشت برداشتن است. در این روش می توان، ذهن دانش آموز را به بانکی تشبیه نمود که باید در آن پول اندوخته شود، در اینجا نیز، ذهن دانش آموز باید مملو از معلومات گردد، مطالب را در ذهن نگه دارد و هنگام امتحان یادآوری نماید. روش سخنرانی، محاسن و معایبی دارد. در یک جلسه سخنرانی، می توان مطالب زیادی را به دانش آموزان انتقال داد، صرفه جویی در زمان و امکانات و نیاز کم به وسایل و امکانات تکنولوژی آموزشی، از محاسن این روش می باشد. با توجه به امکانات کم در برخی از مناطق، معلم می تواند با استفاده از این روش، حجم بسیاری از اطلاعات را به افراد انتقال بدهد. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

۲- روش نمایشی: در این روش، معلم مهارت و کار خاصی را به طور عملی در برابر دانش آموزان انجام می دهد و دانش آموز پس از مشاهده مراحل کار، سعی می کند، کار را به همان ترتیب انجام بدهند. در این روش، مشاهده و سپس تقلید از معلم، بسیار مهم می باشد. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

۳- روش ایفای نقش: در این روش، معلم از دانش آموزان می خواهد که یک قطعه نمایش یا تئاتر را اجرا کنند، به گونه ای که در این فرایند، هر یک از فراگیران، ایفای نقش خاصی را به عهده بگیرند. از طریق این روش، می توان بسیاری از مهارتها، از قبیل فن بیان، ایجاد ارتباط و ابراز وجود را به دانش آموزان یاد داد. روش ایفای نقش، محاسن و معایبی دارد که به ترتیب زیر می باشد: این روش، موجب درمان افراد خجالتی می گردد. البته باید توجه نمود که در ابتدا، نقشهای ساده را به آنها واگذار نمود. این مسأله در مورد دانش آموزان بسیار فعال نیز، کاربرد بسیاری دارد، زیرا آنها می توانند، فرایند ایفای نقش را به خوبی دنبال کنند. عیب آن نیز این است که نیاز به امکانات بسیاری دارد و در همه دروس قابل استفاده نیست. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

۴- روش اکتشافی یا یادگیری اکتشافی: در این روش، معلم کاری انجام نمی دهد، بلکه دانش آموزان را در برابر مسائل مختلفی قرار می دهد. دانش آموز باید ابتدا مسأله را درک کرده و بداند که مسأله چیست؟ سپس از طریق ارائه شواهد و اطلاعاتی در مورد آن مسأله، فرضیات و راه حلهایی ارائه می کند، فرضیات را در معرض آزمایش قرار می دهد. در یادگیری اکتشافی، دانش آموز را در برابر اطلاعات و یادداشتهای قبلی قرار نمی دهیم، بلکه سعی می شود که وی در جریان آموزش، مسائل متفاوتی را کشف نماید و راه حلهایی را برای مسأله پیدا کند. زیرا اکتشاف، به معنای کشف معلومات ندانسته می باشد. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

۵- روش پرسش و پاسخ: این روش، در اکثر مواقع مکمل روش سخنرانی است و اکثر معلمان، این دو روش را با یکدیگر این روش، در اکثر مواقع مکمل روش سخنرانی است و اکثر معلمان، این دو روش را با یکدیگر تلفیق می نمایند تا از طریق آن، نقاط ضعف دانش آموز را برطرف نمایند. در این روش، معلم پرسشهایی را مطرح نموده و بر اساس پاسخهای ارائه شده توسط فراگیران، سوالات جدیدی مطرح می شود و در طی یک روال منطقی، فراگیران را به سمت راه حل مسأله و مسائل مورد نظر هدایت می نماید. در این روش، دانش آموزان از طریق سوالات درست، حساب شده و سنجیده، به سمت یافتن راه حلهای

درست سوق داده می شوند. از این طریق، جنبه انفعالی روش سخنرانی تا حدی از بین رفته و دانش آموز در جریان یادگیری، مشارکت فعالی پیدا می کند. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

۶ - استفاده از روشهای سمعی - بصری: استفاده از وسایل آموزشی از قبیل اوپک، اورهد، اسلاید، ویدئو، تلویزیون و حتی ضبط صوت، سبب تنوع کلاس درس می شود، در دوره دبستان، باید به منظور ایجاد انگیزه بیشتر در یادگیری، کاهش خستگی و کسالت دانش آموز و جذاب کردن محیط آموزشی، حداکثر استفاده را از این وسایل به عمل آورد. تفکر کودک در دوره دبستان، عینی است. بنابراین، هر چه مطالب عینی تر باشند، دانش آموز آنها را بهتر درک می کند. در این دوره، بهتر است که از تلفیق روشها استفاده نمود. برای مثال، موردی را نمایش می دهیم یا کودک اضافه کردن یک ماده شیمیایی به ماده دیگر را مشاهده می کند و ما در حین نمایش، توضیح می دهیم. در برخی از مواد درسی، مثل تعلیمات اجتماعی، تلفیق روش نمایشی و روش سخنرانی، می تواند از سایر روشها موثرتر باشد. در بین روشهای مذکور آزمایشی در دوره دبستان، کدام روش موثرتر است؟ با توجه به دو شعار فعال بودن و مشارکت دانش آموزان در امر یادگیری و آموزش چگونه یاد گرفتن، می توان گفت که یادگیری اکتشافی، دقیقاً مبتنی بر آن دو روش است؛ البته یادگیری اکتشافی، باید در همه مراحل تدریس اعمال شود، نه در کلیه دروس. در این زمینه، می توان گفت که روشها مطلق نبوده، بلکه در دوره ابتدایی، با توجه به امکانات، ماده درسی، سن کودک، ویژگیهای دانش آموز، فضای آموزشی، زمان و به طور کلی، تمامی شرایط موثر در آموزش یادگیری اکتشافی، بهترین روش می باشد. هر چند که تنها روش نیست و گاهی اوقات، معلم به ناچار باید از روشهای دیگر استفاده کند. در دوره ابتدایی، نوع مسأله باید بسیار آسان باشد تا دانش آموز از عهده حل آن برآید. در صورتی که یادگیری اکتشافی منطبق با توانایی و میزان رشد ذهنی دانش آموز باشد، تأثیر بسیاری بر یادگیری ها و تغییر رفتار دانش آموز دارد. (سمیعی دوروته، رضا، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۴).

ارزشیابی

ارزشیابی افلاطونی:

ارزشیابی آن از نوع استعداد یابی در دوران ابتدایی است. طبق گفته افلاطون، کودک باید در آزمایشی شرکت کند که تعیین می کند که آیا باید تحصیلات عالی را در سن ۲۰ سالگی ادامه دهد یا نه. مثلاً کسانی که در این آزمون موفق می شوند، ۱۰ سال دیگر از نظر جسمی و روانی آموزش می بینند. در این مرحله، جدا از علوم فیزیکی و ریاضی، درسی مانند حساب، نجوم، هندسه و دیالکتیک تدریس می شد. دوباره در سن ۳۰ سالگی، دانش آموزان مجدداً امتحان می دهند، که به عنوان یک آزمون حذف کننده، بسیار شدیدتر از آزمون اول است و کسانی که موفق نشوند دستیار اجرایی، کمکی و افسر نظامی دولت می شوند. افلاطون اظهار داشت که بر اساس توانایی هایشان، کاندیداها یک رشته خاص را به خود اختصاص می دهند. کسانی که در این آزمون قبول می شوند، ۵ سال آموزش پیشرفته دیالکتیک دیگر می بینند. (دنورانت، وبلیتاریخ فلسفه، ترجمه عباسی زریاب، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳۶)

ارزشیابی در ایران:

ارزشیابی در دوره ابتدایی در ایران از نوع توصیفی می باشد.

ارزشیابی توصیفی، شکلی از ارزشیابی تحصیلی-تربیتی است که در آن معلم با مشارکت فعال و دانش آموز و اولیای ایشان با استفاده از ابزارهای مختلف به جمع آوری اطلاعات در زمینه تلاش ها، پیشرفت ها و موفقیت های دانش آموزان می پردازد و با طبقه بندی تحلیل و تفسیر اطلاعات به آنها کمک می کند تا بهتر یاد بگیرند و مشکلات یادگیری خود را به کمک اولیا و معلمان برطرف کنند.

هدف اصلی در ارزشیابی توصیفی بهبود شرایط یادگیری دانش آموزان با از بین بردن اضطراب های نامطلوب ناشی از برگزاری امتحانات و بازخورد های عددی است.

در ارزشیابی توصیفی به جای دادن نمره به دانش آموز از عبارت های کیفی مثل تلاش خوبی داشته ای، با تلاش به موفقیت رسیده ای، برای موفقیت باید بیشتر تلاش کنی، با انجام تمرین بیشتر مشکل شما برطرف می شود و ... استفاده شود.

ارزشیابی توصیفی به زمان خاص محدود نمی شود این ارزشیابی در کل جریان یادگیری، در فعالیت های خارج از کلاس و در محیط زندگی جریان دارد.

تلاش و رشد کودکان همانند موفقیت آنان ارزشمند است و فقط به موفقیت ها امتیاز داده نمی شود بلکه، تلاش و پیشرفت نیز امتیاز دارد. (دنورانت، وبلیتاریخ فلسفه، ترجمه عباسی زریاب، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳۶)

همانگونه که یادگیری دانش آموزان در حوزه های مختلف و سطوح متفاوت است، سنجش و ارزشیابی آن نیز باید با استفاده از ابزارهایی باشد که بتواند این یادگیری ها را بسنجد. پوشه کار، آزمون ها، مشاهدات از جمله ابزارهایی است که در ارزشیابی توصیفی مورد استفاده قرار می گیرد.

در ارزشیابی توصیفی اصل بر ارتقای دانش آموزان به پایه های بالاتر است مگر در موارد بسیار نادر و زمانی که دانش آموزان دارای ناتوانایی های ذهنی باشند. کارنامه دانش آموزان علاوه بر عملکرد درسی، عملکرد اجتماعی و عاطفی و جسمانی-فیزیکی را منعکس می کند. ارزشیابی توصیفی با ویژگی های فوق راه کارهایی را برای برطرف کردن بخشی از مشکلات فرآوری ارزشیابی تحصیلی ارائه داده است که در ادامه به آنها اشاره می شود.

***** بررسی کلی برنامه درسی ابتدایی از دیدگاه افلاطون و برنامه درسی در ایران *****

جدول ۲: افلاطون و برنامه درسی

اهداف	محتوا	روش	ارزشیابی
جسمانی	ژیمناستیک	گفت و شنود	استعداد یابی اولیه
ذوقی	موسیقی	دیالکتیک	
عقلانی	حساب		
اجتماعی	فلسفه		

جدول ۳: برنامه درسی در ایران دوره ابتدایی

اهداف	محتوا	روش	ارزشیابی
محیا سازی برای دوران بزرگسالی آشنایی با معارف دینی پرورش استعداد ها ایجاد بینش صحیح پرورش خلاقیت و تفکر	دینی اجتماعی فرهنگی زیباشناختی اقتصادی فناوری زیست شناختی	روش سخنرانی روش نمایشی روش پرسش و پاسخ	توصیفی

بحث و نتیجه گیری :

افلاطون بر این عقیده بود که آموزش باید از سنین پایین آغاز شود. افلاطون برای اطمینان از اینکه بچه ها خوب درس می خوانند ، اصرار داشت که کودکان در یک محیط سالم تربیت شوند و محیط ایده هایی از حقیقت و خوبی را به وجود بیاورد. افلاطون معتقد بود که آموزش و پرورش اولیه باید با ادبیات مرتبط باشد ، زیرا بهترین روح را به وجود می آورد. این مطالعه باید بیشتر مربوط به داستان سرایی باشد و سپس به شعر ادامه یابد. ثانیاً ، موسیقی و ثالثاً هنر موضوعات آموزش اولیه بودند.

اهداف تعلیم و تربیت در دوران ابتدایی در ایران این است که باید دانش آموزان را متناسب با هوش و توانایی هایشان با رموز خلقت ، زندگی پیامبران، ائمه معصومین وایه های سلاسه قرآن آشنا نمود.

استعداد های دانش آموزان را پرورش داد و او را برای دوران بزرگسالی آماده کرد و با مهارت های ابتدایی دروس دانش آموز را آشنا ساخت .

محتوا در دوران ابتدایی در ایران شامل : دینی ، اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی، اقتصادی، فناوری، زیست شناختی می شود .

روش ها شامل سخنرانی، پرسش پاسخ و نمایشی است و ارزشیابی از نوع توصیفی می باشد .

روش افلاطون از نوع گفت و شنود و دیالکتیک می باشد و ارزشیابی ان از نوع استعداد یابی در دوران ابتدایی است .

افلاطون بر این عقیده بود که برای ۱۰ سال اول ، عمدتا باید تربیت بدنی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر ، هر مدرسه باید یک سالن ورزشی و یک زمین بازی داشته باشد تا بتواند قوا بدنی و سلامتی کودکان را توسعه دهد و آنها را در برابر هر بیماری مقاوم کند.

علاوه بر تربیت بدنی ، افلاطون موسیقی را نیز توصیه می کند تا در شخصیت آنها اصلاح خاصی ایجاد کند و به روح و جسم لطف و سلامتی عطا کند. افلاطون همچنین دروس مانند ریاضیات ، تاریخ و علوم را تجویز می کرد.

از نظر افلاطون ، دانش حاصل از اجبار ذهن را درگیر نمی کند. بنابراین ، او معتقد بود که آموزش نباید اجباری باشد ، بلکه باید نوعی سرگرمی باشد زیرا این امر باعث می شود معلم بتواند ذهنیت طبیعی کودک را درک کند. افلاطون همچنین بر تربیت اخلاقی تأکید داشت.

پیشنهادات :

۱. برنامه ای اتخاذ گردد تا مولفه های دینی در برنامه درسی ابتدایی از طریق موسیقی اسلامی ، مرثیه و امثال ان به کودکان آموزش داده شود و این منطبق با افلاطون می باشد که موسیقی تاثیر گذار است .

۲. برنامه ای اتخاذ گردد تا محتوای دروس ادبیات به گونه ای مهم تر طرح ریزی شوند تا اهداف برنامه درسی را محقق سازند و از کتاب ویژه ای برای شعر ایجاد شود و در سایر دروس هم از شعر استفاده شود در جهت آموزش و این با ارای افلاطون سازگار است .

۳. برنامه آمادگی جسمانی کودکان در دوران ابتدایی باید به نحوی بهتر پایه ریزی شود و برنامه های تربیت بدنی افزایش پیدا کند و این با ارای افلاطون سازگار است .

منابع :

- دنورانت، وبلیتاریخ فلسفه، ترجمه عباسی زریاب، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳۶
- فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، تهران، البرز، ۱۳۷۹.
- باقری فر، موسی، آموزش و پرورش ابتدایی، ۱۳۹۵
- افلاطون (۱۳۵۰). مجموعه آثار جمهوری، ترجمه محمد حسن لطفی (۱۳۵۰)، ابن سینا
- افلاطون (۱۳۲۷). مجموعه آثار قوانین، ترجمه محمد حسن لطفی (۱۳۶۷)، خوارزمی
- افلاطون (۱۳۵۰). مجموعه آثار قلب، ترجمه محمد حسن لطفی (۱۳۵۰)، ابن سینا
- افلاطون (۱۳۴۸). مجموعه آثار مهمانی، ترجمه رضا کاویانی و محمد حسن لطفی، ابن سینا.
- افلاطون، جمهور. ترجمه فؤاد روحانی (۱۳۴۵)، علمی و فرهنگی.
- Aalaeie Gh., (2012), Analysis of intellectual cognition proposed in Quran verses based on Tafsirolmizan and its implications on religious education curriculum goals, Journal of Research in Curriculum Planning, 9th year, 2nd course, No. 6, (Persian).
- Aarafi A. et al., (2007), An Introduction to Islamic Education (1), Philosophy of Education, 8th edition, Samo publicaciones, 535 pages,(Persian).
- Alam A., (2002), History of Political Philosophy of West, Tefuran, Ministry of Foreign Affairs Inscrution Press, 360 pages, (Persian).
- Alihosseini A., (2005), Plato's philosophy trend and Farabi's Sharia Orientation, Dual Choices, Mofid Letrer journal, No. 50, P67, (Persian).
- Barakat Dibaji A., (2002), Plato's Ontology philosophy, Master's thesis, University of Isfahan Literature and Humanities Faculty, (Persian).
- Bcheshti S., (2008), Philosophy of education in today's world, www.Bpdanesh.ir, [l'ersian).
- Jalali Kooshki B, (2008). Education According to Plato, Master's thesis, University of Isfahan Literature and Humanities Faculty, (Persian).
- Couplestone F., (2007), History of Greek and Roman Philosophy, Volume 1, Translated by Mojtabavi j, Elmi va Farhangi Publication, 600 pages.
- Davari ardakani R., (1995), Gbiam Press, Tehran, Tarhe No Publication, 326 pages.
- Fakhoori H., Khalil J., (1979), History of philosophy in the Islamic world, Second edition, Volume 2, Translated by Ayat A, Tehran, Ketab Zaman Publication, 814 pages, (Persian).

Farabi A., (2000), Medina policy, 3rd edition, translated by Sajadi J, Ministry of Culture and Islamic Publications, 300 pages, (Persian).

Farabi A., (2010). Scaristical Sciences, Translated by Khadivjam H, Tehran, Elmi va Farhangi Publications company, 133 pages, (Persian).

Ghaderi M. and Gharibi H.,(2008), Education in Farabi and Dourkim's thought, Cognition monthly magazine, No.30, P 97. (Persian).

Ghanooni T., (2010), Subjective Matching of Plato's and Farabi's Tabloid of honors against Plato's Rules, Master's thesis, University of Isfahan Literature and Humanities Faculty, (Persian).

Gotck J., (2001), Philosophical schools and Educacional voves, Eleventh Edition, Translated by Pakseresht M. Jafar, Samt Publicacion, 524 pages.

Hashemi F., Noroozi R. (2010), An Analysis of moral education Journal of Moral Cognition from Farabi's views, No. 5, P 95 (Persian).

Kardan A., (2009), Journey of educative votes in Wesc, 4th edition, Tehran, Same Publicacion, 288 pages, (Persian),) Kavandi S., (2011), Farabi's Foundations of Educational Thought, Moral Cognition monthly magazine, 3rd year, No, Ist, PP 45-64, (Persian).

Mirahmadi Sarpiri S., (2009), Plato's view on Virtue, Soofascaeian, Master's thesis, University of Isfahan Literature and Humanities Faculry, (Persian).

Mirzamohammadi M., (2002), A comparative study of education goals from Plato's and Farabi's views, Journal of Psychology And Educational Sciences, 32nd year, No. 2, (Persian).

Mirzamohammadi M., (2005), Farabi and education, Yoscaroon Publicacions, 104 pages, (Persian).